

## تأثیر فرهنگ قومی بر مبلمان سلجوقی

ناهید رحمان پور\*

### چکیده

سلجوقیان، پیش از رسیدن به حکومت، قومی بیابانگرد بودند که با صحراگردی و شبانی روزگار می‌گذراندند. این قوم پس از رسیدن به حکومت یکی از بزرگ‌ترین سلسله‌های پس از اسلام در ایران را به وجود آوردند. این قوم بیابانگرد در برخورد با فرهنگ و هنر غنی ایرانی تحت تأثیر ایرانیان به ویژه وزیران ایرانی با تدبیر خویش، به خوی و خصلت ایرانیان پرورده شده و توانستند اولین امپراتوری یکپارچه را در ایران پس از اسلام به وجود آورند. با وجود آنکه این افراد شیوه حکومت‌داری و فرهنگ شهرنشینی را از ایرانیان آموخته بودند، اما بسیاری از عادات و سنت‌های قومی و قبیله‌ای خویش را حفظ کردند.

در این میان هنر که همواره محصول زمان خویش بوده، محل تجلی این آمیختگی و تلاقی دو فرهنگ ایرانی- ترک می‌شود. مبلمان (به ویژه نشستگاه‌های درباری) نیز به عنوان هنری کاربردی همواره بیانگر نگرش و فرهنگ حاکم در هر دوره بوده است. از این رو در این پژوهش سعی بر آن است تا با نگاهی جامعه‌شناسانه علل ویژگی خاص مبلمان سلجوقی که همانا کوتاهی سطح نشستگاه و شیوه خاص نشستن کاربر است، مورد بررسی قرار گیرد. و در این راستا به پرسش‌هایی از این دست پاسخ داده شود: چه عللی را می‌توان در پیدایش مبلمان سلجوقی دخیل دانست؟ آیا با نگاهی جامعه‌شناسانه می‌توان عوامل تأثیرگذار بر این سبک را شناسایی کرد؟ در این مقاله، براساس فرضیه پژوهش، مبنی بر وجود ارتباط آمیختگی فرهنگ قومی صحراگرد با فرهنگ شهری در به وجود آمدن سبک مبلمان سلجوقی، نخست با بررسی ریشه‌های قومیتی و اوضاع اجتماعی سلجوقیان ایران و سپس با تحلیل ساختاری و تزئینی مبلمان این دوره فرضیه به اثبات می‌رسد.

نتیجه حاصل از تحقیق، ضمن شناخت و بررسی سبک مبلمان سلجوقی، بیانگر این مطلب است که ریشه‌های علل وجودی سبکی چنین متفاوت در میان سبک‌های مبلمان ایرانی را می‌توان در ارتباط این هنر-صنعت با فرهنگ قومیتی آن جويا شد. روش پژوهش، تحلیلی- توصیفی است که با تحلیل ساختاری و تزئینی مبلمان سلجوقی و نگاهی جامعه‌شناسانه به بستر شکل‌گیری آن به اثبات فرضیه پرداخته شده است.

### واژگان کلیدی

سلجوقیان ایران، مبلمان سلجوقی، اوضاع اجتماعی سیاسی سلجوقیان ایران، نشستگاه‌های کوتاه.

\* کارشناسی ارشد صنایع دستی مربی، عضو هیئت علمی دانشگاه الزهراء، گروه صنایع دستی ۰۹۱۲۳۷۷۴۸۲۰  
Nahid\_arte@yahoo.com

## مقدمه

مبلمان به عنوان هنری کاربردی، در مقام هنر با درک حسی مخاطب ارتباط دارد و به عنوان وسیله‌ای کاربردی پاسخگوی نیازهای جسمی کاربر است. از این رو مبلمان در مقام هنرمند-صنعتگر در هر دوره‌ای تحت تأثیر روح زیبایی‌شناسی عصر خویش و رفتارهای قومی آن دوره قرار دارد.

مبلمان سلجوقی نیز در بستری ظهور و رشد پیدا می‌کند که تلاقی دو فرهنگ ایرانی و ترک سبکی از مبلمان را عرضه می‌دارد که در نوع خود بی‌نظیر است. سلجوقیان که یکی از بزرگ‌ترین و مقتدرترین سلسله‌های بعد از اسلام در ایران بودند و مهم‌ترین ممالک اسلامی را تحت فرمان یک دولت درآوردند، اگرچه ایرانی‌نژاد نبودند ولی مرکز اقتدارشان را ایران قرار داده و به خلق و خوی ایرانیان متخلص شده، توانستند مانند سلاطین بزرگی که این کشور به وجود آورده حکم‌فرمایی کنند. (رازی، ۱۳۶۷: ۹۷) هنرهای تزئینی در دوره سلجوقی در اوج نوآوری و خلاقیت بودند، چنانچه اشیاء تولید شده برای توده مردم نیز از کیفیت ساختاری و تزئینی والایی برخوردار بودند. یکی از مشخصه‌های مهم و بارز نقوش تزئینی سلجوقی که ما را در جهت شناخت سبک مبلمان سلجوقی رهنمون می‌سازد، بهره‌گیری از نقوش انسانی در آرایش‌های هنری این دوره است. در میان هنرهای کاربردی به جرأت می‌توان مبلمان را هنر-صنعتی دانست که فرهنگ قومی، شیوه زندگی، طبقه اجتماعی و غیره را به نمایش می‌گذارد. گاه که این هنر در خدمت طبقه‌ای خاص (حاکمان) قرار می‌گیرد، با زبانی نمادین مظاهر قدرت و اقتدار صاحبان آن را به نمایش می‌گذارد. در اغلب تمدن‌ها مبلمان به ویژه نشستگاه‌های سلطنتی و یا مذهبی، شیئی فراتر از یک اثر هنری و یا کاربردی بوده است، و نشستگاه‌های سلجوقی نیز از این قاعده مستثنا نیست.

اتینگهاوزن در کتاب هنر و معماری اسلامی بیان می‌کند که در دوران سلجوقیان یا اینکه اکثر نقشمایه‌های انسانی تزئینی بودند، در آنها مفاهیم شمایل‌نگاری و حتی نمادگرایی حساب شده و سنجیده کاملاً رعایت می‌شود. هنگامی که دربارهای سلجوقیان و دولت‌های کوچک جانشین آنها، منابع اصلی حمایت را تدارک دیدند، طبیعی بود که مضامین عمده تزئینی را جلوه‌های مختلف حاکمیت و سلطنت تشکیل دهند: یعنی حاکم جلوس کرده بر تخت سلطنت همراه ملازمان خود، شکارگاه سلطنتی و قهرمان خوش‌گذران (اتینگهاوزن و گرابر، ج ۱، ۱۳۸۳: ۴۹۶) سنت به کارگیری نقشمایه‌های پیکره‌ای (فیگوراتیو) خود سبب شده است تا مبلمان (نشستگاه) به عنوان یکی از عناصر مهم تشکیل‌دهنده مظاهر حاکمیت، در آثاری چون ظروف، کتاب‌آرایی و غیره تجلی یابند. از این رو شاید بتوان آثار هنری سلجوقیان به ویژه نقوش منقوش بر روی ظروف را همچون دانشنامه‌ای تصویری از نشستگاه‌های سلجوقی دانست.

آنچه در نگاه اول نظر هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کند کوتاهی اغراق‌آمیز این نوع از نشستگاه‌هاست که در سبک‌های رایج مبلمان ایرانی منحصر به فرد است. همین امر سبب شده ذهن مخاطب درگیر چرایی این نوع ساختار شود. این پژوهش در پی پاسخ آن است که آیا سبک مبلمان سلجوقی رابطه مستقیم با فرهنگ قومی سلاجقه دارد؟ چه عللی را می‌توان در پیدایش ابعاد ساختاری و شیوه کاربرد مبلمان این دوره دخیل دانست؟ آیا جامعه‌شناسی زمان مربوط به هر سبک می‌تواند راهگشای ما در راه شناخت علل پیدایش آن باشد؟

براساس فرضیه پژوهش، مبنی بر در آمیختگی فرهنگ قومی سلاجقه با فرهنگ و هنر ایرانی که سبب پیدایش سبکی چنین متفاوت در مبلمان ایرانی می‌شود، شیوه‌های زندگی و عادت‌های رفتاری سلجوقیان پیش از به سلطنت رسیدن و پس از آن و همچنین موقعیت ایرانیان در دربار سلجوقی بررسی شده است تا بتوان به پاسخ سؤالات پژوهش و اثبات فرضیه رسید. همچنین در پژوهش حاضر سعی شده تا دو هدف پژوهشی و کاربردی هم‌زمان مورد توجه قرار گیرد. از این رو نخست با رویکردی جامعه‌شناسانه نگاهی اجمالی به فرهنگ قومی و اوضاع اجتماعی سلاجقه و نقش ایرانیان در این دوره شده، سپس با روشی تحلیلی و توصیفی مبلمان این دوره و عوامل تأثیرگذار بر آن مورد بررسی قرار گرفته تا از این رهگذر نخست بتوان به عوامل مؤثر بر پیدایش این سبک از مبلمان دست یافت، سپس با بررسی عناصر تشکیل‌دهنده، به احیا و به کارگیری این عناصر در مبلمان امروزی پرداخت. متأسفانه با وجود شواهد بسیار، مبلمان ایرانی همواره از سوی پژوهشگران مورد بی‌توجهی قرار گرفته است (به ویژه پس از ورود اسلام) از این رو منابع مکتوب در این زمینه بسیار ناچیز است. تنها افراد اندکی همچون پروفیسور پوپ به صورت مختصر اشاره‌ای به آن کرده‌اند. این بی‌توجهی به مبلمان ایرانی تا بدان جاست که بسیاری مبلمان را شیئی وارداتی می‌دانند. البته نگارنده در رساله کارشناسی ارشد خود (به راهنمایی دکتر مهین سهرابی) سبک‌شناسی مبلمان ایرانی را از چهار هزار سال پیش از میلاد تا پایان عصر قاجار مورد بررسی قرار داده‌ام که به دلیل نبودن منابع مکتوب در این زمینه پژوهش خود را براساس منابع غیر مکتوب شامل نقوش به جای مانده از کلیه آثاری که تصویری از مبلمان را در خود دارد (مهرها، نقش برجسته‌ها، نقوش ظروف و کتاب‌ها...) بنانهاده‌ام و این مجموعه با افزودن مدارک بیشتری به زودی در قالب کتاب عرضه خواهد شد. امید که با پژوهش‌های کاربردی بتوان راه را بر احیای مبلمان ایرانی هموار ساخت.

## موقعیت تاریخی و جغرافیایی سلجوقیان ایران

نسب سلجوقیان به سلجوق بن دقاق که یکی از روسای ترکان غز بوده می‌رسد. آنان طایفه‌ای از ترکمانان غزوخزر بودند که در

و سیاسی این دوران هرگز نمی‌توان نقش مؤثر وزیران باکفایت ایرانی چون عمیدالملک کندی و خواجه نظام‌الملک را در ایجاد اقتدار این سلسله نادیده گرفت.

خواجه نظام‌الملک، یکی از بزرگ‌ترین شخصیت‌هایی که این سرزمین در خود پرورده است، دانشمندی سیاسی بود. نقش او در تاریخ این سلسله به‌اندازه‌ای تأثیرگذار بوده که برخی از محققین، دوران اقتدار و شکوه سلجوقیان را عهد خواجه نظام‌الملک خوانده‌اند که قریب ۵۵ سال زمام امور مملکت را در دست گرفته با سیاست بی‌نظیری این کشور وسیع را اداره می‌کرد. چون پادشاهان این سلسله از وجود او محروم گشتند، دولت آنان رو به زوال و انقراض گذاشت. "دستاورد‌های این دیوان‌سالار برجسته ایران را در این مدت می‌توان تحت سه عنوان ذکر کرد: نخست ایجاد سپاه منظم و ثابت که هم اعضای سرکش و آشوبگر خاندان سلجوقی را سرکوب کند و هم پاسخگوی انگیزه توسعه‌طلبی سلاطین سلجوقی باشد. دوم سازمان‌دهی دیوان‌سالاری که در آن سنت اداری ایرانی-اسلامی به بهترین وجه به کار گرفته می‌شود و سرانجام احیای مذهب سنت در ایران غربی و عراق از طریق احداث نهادهای آموزشی" (ستارزاده، ۱۳۹۰: ۷۸). با این وجود از دیدگاه گروهی از تاریخ‌نگاران دوران سلطه نظام‌الملک عاری از بی‌عدالتی نبوده است. "نظام‌الملک با قدرتی عظیم و عجیب مملکت را بین خود و پسرانش تقسیم کرده بود. آنها مانع ترقی و پیشرفت بسیاری از بزرگانی شدند که به حق می‌توانستند بهتر از آنان به کار مملکت بپردازند" (ده‌بزرگی، ۱۳۹۰: ۳۴۳). با وجود آنکه سراسر دوران حکومت سلجوقیان همواره دستخوش کشمکش‌ها و جنگ‌های داخلی و خارجی بود، شاهد یک دوران با عظمت و ثبات نسبی هستیم که سبب شده بود که این دوران طولانی از لحاظ بسط و توسعه دانش، ادب و هنر یک دوران ممتاز تاریخ ایران محسوب شود. در این دوران، ایجاد مدارس، کتابخانه‌ها، خانقاه‌ها و رباط‌ها در اکثر شهرهای بزرگ خراسان و عراق توسعه فرهنگ و دانش عصر را به ارمان آورد. ادبیات و به ویژه شعر مورد تشویق و حمایت پادشاهان قرار گرفت. کتاب‌های علمی قابل توجهی در شاخه‌های علم و دانش رایج در آن عصر به فارسی و عربی نوشته شد. در این میان حمایت و سخاوت برخی از دولت‌مردان و یا خاندان‌های ریاست موجب حفظ هنرهای عصر شد.

"هنرهای تزیینی در دوران سلجوقی، به ویژه در پاره‌ی پسین سده ششم و پاره‌ی پیشین سده هفتم هجری، در اوج نوآوری، خلاقیت و درخشندگی خود بود. حتی اشیاء نسبتاً بی‌ارزشی هم که برای عامه مردم تولید می‌شد از کیفیت والایی برخوردار بود" (اتینگهاوزن و گرابر، ج ۱، ۱۳۸۳: ۴۹۴). به طور کلی اهمیت هنر سلجوقی در درون هنر اسلامی، در موقعیت عالی ایران در این هنر نهفته است طوری که آن را می‌توان با نقش محوری ایتالیا در هنر اروپا مقایسه کرد (آژند، ۱۳۸۳: ۱۵۸). سفالگری و فلزکاری در این دوره پیشرفت چشمگیری داشت، اشکال جدید ظروف در این دوره رواج یافت،

دوران شکوه و عظمت امرای سامانی در دشت‌های بحیره خوارزم (آرال) و سواحل شرقی دریای آرسکون و دره‌های علیای سیحون و جیحون سکونت داشتند. "نام این قوم در نوشته‌های چینی مربوط به قرن هشتم میلادی ذکر شده است. اینان در آغاز اغوز نام داشتند که بعدها ترکمن خوانده شدند و نویسندگان عرب آنان را غز نامیدند" (ده‌بزرگی، ۱۳۹۰: ۳۳۹). سلاجقه که تا پیش از ریاست سلجوق نام بخصوصی نداشتند، به سبب قبول اسلام و مجاورت با ممالک سامانی گاهی در کشمکش بین امرای این سلسله و خانیان توران، به سامانیان کمک می‌کردند و سامانیان به همین جهت مانع رفت آمد ایشان به شهرهای خود نمی‌شدند (رضایی، ج ۳، ۱۳۷۸: ۶۸). "سلاجقه به زودی از شوکت و اعتبار زیادی برخوردار شدند و کم‌کم عدد و اهمیت ایشان تا بدان‌جا بالا گرفت که ارتباط پادشاه مقتدری چون محمود غزنوی را با خانیان ترکستان مورد تهدید قرار می‌دادند و راه سفرای او را که بین ایران و توران رفت آمد داشتند، می‌بستند" (همان، ۱۳۷۸: ۶۹). تاریخ جلوس طغرل در نیشابور و اجرای مراسم و خواندن خطبه سلطنت به نام او یعنی شوال ۴۲۹ را باید ابتدای سلطنت سلجوقیان دانست. بدین‌گونه یک سلسله غیر ایرانی بعد از چهار قرن که از سقوط ساسانیان می‌گذشت حدود ایران را تقریباً به وسعت عهد ساسانیان می‌رساند و حتی فرهنگ ایرانی و میراث ساسانی را در سراسر آن نشر می‌دهد. با این حال طرز فرمانروایی آنان بیشتر یادآور شیوه فرمانروایی اشکانیان بود، ملوک‌طوایفی، مرکزگریزی، اشتغال دایم به جنگ و بیابانگردی (زرین کوب، ۱۳۸۷: ۴۶۲). در نیمه دوم سده پنجم ه.ق که سلجوقیان بر تمام باختر استیلا یافتند، همدان را پایتخت خود قرار دادند و نفوذ آنان تا میان‌رودان مقر خلفای عباسی نیز رسید. اما این خاندان نیز همانند هر سلسله دیگری پس حدود یک و نیم قرن حکمرانی در سال ۵۵۲ ه.ق منقرض شد.

### اوضاع اجتماعی سلاجقه

سلجوقیان پیش از رسیدن به حکومت قومی بیابانگرد بودند که با شبنانی و قتل و غارت روزگار می‌گذراندند. عادت به زندگی شهری و پذیرش نظم و قانون با طبیعت بدوی و بیابانی آنان سازگار نبود. از این رو آنان کمتر با آداب و رسوم زندگی شهرنشینی آشنایی داشتند، به همین دلیل سلجوقیان پس از تصرف نیشابور، در آنجا با شوررداری ایرانی آشنا شده و از آنجا که این قبایل صحراگرد تحت نظارت ایرانیان اصول شهرنشینی و زندگی فرمانروایی را آموخته بودند، بسیاری از سلیقه‌های هنری آنان تحت تأثیر ایرانیان قرار گرفت.

"اگرچه پادشاهان سلجوقی در ابتدای استیلا خود بر این سرزمین با آیین شوررداری و فرمانروایی آشنایی چندانی نداشتند، اما به دلیل سپردن امور به وزیران باکفایت ایرانی خود توانستند سلسله‌ای با عظمت را در ایران و جهان اسلام پایه‌گذاری کنند" (زرین کوب، ۱۳۸۷: ۴۷۹). از این رو در بررسی اوضاع اجتماعی

است (اتینگهاوزن و گرابر، ج ۱، ۱۳۸۳: ۴۹۷) سنت شمایل‌نگاری رایج در این دوره به ویژه بر روی ظروف که صحنه‌هایی از جلوس امیران و درباریان را به نمایش می‌گذارد علاوه بر کارکرد معنایی بخشی از هنر این دوره (مبلمان) که همواره از دید محققین دور مانده است را متجلی می‌سازد.

### مبلمان سلجوقی

مبلمان به عنوان یک هنر - صنعت همواره ارتباط تنگاتنگی با انسان به عنوان کاربر و عادات و شیوه زندگی اجتماعی اقوام مختلف در طول تاریخ و در تمدن‌های گوناگون داشته است. این عنصر هنری - کاربردی به ویژه در بخش نشستگاه‌های درباری علاوه بر جنبه کاربرد آن، دارای بار مفهومی نیز هست. "هیچ‌کس ارتباط متقابل هنرمند و جامعه را منکر نیست، هنرمند بر جامعه متکی است، لحن، آهنگ و احساسش را از جامعه‌ای که در آن زندگی

اما نکته قابل توجه علاوه بر اشکال، غنای شگفت‌انگیز طرح‌های تزئینی و نقشمایه‌های پیکره‌ای آن است. چنین می‌نماید که شکوفایی و کاربرد تصویر پیکره‌ای و نمادین در تخالف با گرایش تصویری عمومی جهان اسلام باشد که تبیین بیشتری را می‌طلبد. از آنجا که ایران در این دوران کانون و رهبر هنر به شمار می‌رفت و نیز بخش اعظم مجموعه پیکره‌ای این عهد در ارتباط با ایران بود، برای حل معما لازم است به دو نوشته فارسی و مخصوصاً به دو جنبه از آن رجوع کنیم. خمسه نظامی حاوی تصاویر رنگی درخشانی به شکل استعاره است. این نوع تصاویر بالاتر از همه محصول یک بینش عاطفی و احساسی است که به گونه تخیل جلوه یافته و هویت وجودی ویژه‌ای پیدا کرده است. در اشعار عرفانی مثنوی مولانا، برای نخستین بار بازنمایی‌های پیکره‌ای جلوه‌گر شده و هدف از آن نیز رد و تکذیب نقاشی از دیدگاه مذهبی نیست بلکه بهره‌گیری تعلیمی از آن برای تبیین رموز باریتعالی



تصویر ۱. تخت سلجوقی منقوش بر کاسه مینایی، مأخذ: موزه رضا عباسی.

Fig1. Seljuk throne, Mina, bowl. Source: Reza Abbasi Museum.

قرار می‌دهد که تا پیش از این دوره بی‌سابقه بوده است و می‌توان آن را نشستگاه خاص سلجوقی برشمرد. در این نوع نشستگاه‌ها، آنچه نظر هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کند، کوتاهی اغراق‌آمیز سطح نشستگاه است. نمونه‌ای از این نوع مبلمان را می‌توان بر روی کاسه‌ای سلجوقی مشاهده کرد (تصویر ۱) که کاربر بر تختی به شیوه یاد شده تکیه زده است. این تخت شامل سطح نشستگاهی استوار بر چهارپایه کوتاه است. تخت دارای پشتی بلندی است که ستون‌های آن به یک فرم سروی شکل منتهی می‌شوند، سطح نشستگاه در قسمت جلو نقش یک سر ترنج را تداعی می‌کند و پایه‌های کوتاه نیز از ترکیب احجام گوی مانند شکل گرفته‌اند. همان‌گونه که در تصویر مشاهده می‌شود، شخص نشسته به صورت چهار زانو بر تخت تکیه زده است. پیش‌تر نیز عنوان شد، مبلمان ارتباط تنگاتنگی با آداب، رسوم و شیوه زندگی کاربر دارد. با نگاهی به شیوه زندگی سلاجقه پیش از به قدرت رسیدن و شهرنشین شدن، می‌توان پی برد که این افراد بیابانگرد در چادرهای خود بر تشکچه‌ها نشسته و بر بالشت‌ها و پشتی‌ها تکیه می‌زدند. اما از آنجایی که تا بدان روز هیچ‌گاه دربار ایران از تخت و نشستگاه تهی نبود، هنرمندان، با درایت و قدرت هنری خویش، تدبیری اندیشیدند و با در نظر گرفتن عادت شاهان سلجوقی و شیوه نشستن آنها به طراحی و ساخت نشستگاه‌هایی دست زدند که در نوع خود بی‌نظیر بودند. نمونه‌ای دیگر از این نوع سبک را می‌توان بر مرکز کاسه‌ای مینیایی مشاهده کرد (تصویر ۲).

این نمونه نیز از اصول کلی تخت‌های سلجوقی یعنی ارتفاع کوتاه و پشتی بلند پیروی می‌کند. نکته قابل توجه در این تخت اضافه شدن عنصری دیگر به این تخت‌ها است. همان‌گونه که در تصویر

می‌کند، می‌گیرد" (رید، ۱۳۷۱:۲۲۳) و هر آنچه ما انجام می‌دهیم در درون ساختارهای اجتماعی صورت می‌گیرد، بنابراین از آنها تأثیر می‌پذیریم (رامین، ۱۳۸۹:۱۷) از این رو این نکته را می‌بایست مورد توجه قرار داد که هنرمند-مبل‌ساز عصر سلجوقی در دوره‌ای می‌زیسته که از یک سو وارث الگوهای ساختاری و تزئینی مبلمان ایرانی پیش از سلجوقی بوده و از سوی دیگر می‌بایست پاسخگوی نیازهای کاربردی و رفتاری کاربران (حاکمان سلجوقی) باشد.



تصویر ۲. تخت سلجوقی، کاسه مینیایی، ری. مأخذ: دوری و بصیری، ۱۳۶۸:۹۵.

Fig.2. Seljuk throne, Mina bowl, Rey.  
Source: Douri & Basiri, 1989: 95.



تصویر ۳. نشستگاه سلجوقی، کاسه مینیایی. مأخذ: نجفی، ۱۳۶۸: ۶۱.

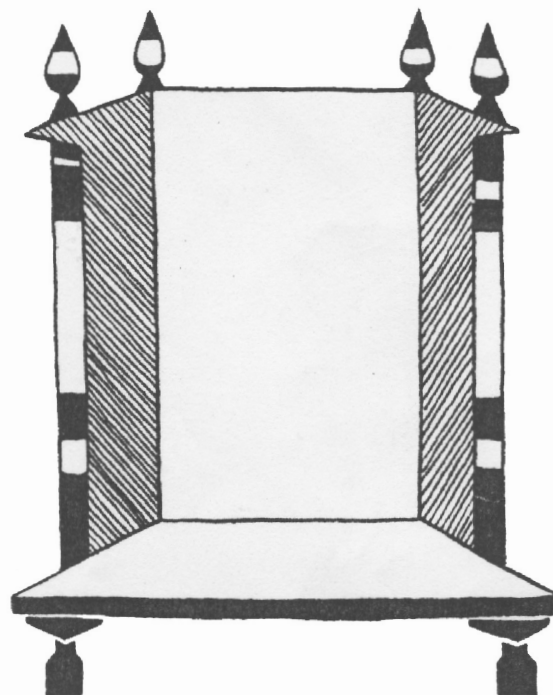
fig.3. Seljuk throne, Mina bowl source: Najafi, 1989:61.

در طول تاریخ، تخت‌ها همواره حامل نمادهایی چون اقتدار و حاکمیت بوده‌اند و نوع نگرش حاکمان را با زبانی نمادین بیان کرده‌اند. مبلمان سلجوقی نیز از این قاعده مستثنا نیست. خوشبختانه سنت شمایل‌نگاری و به کارگیری نقشمایه‌های پیکره‌ای در آثار هنری این دوره سبب شده است تا مجموعه گرانبه‌ای از نشستگاه‌های سلجوقی در اختیار ما قرار گیرد. در این میان ظروف به ویژه بشقاب‌ها و کاسه‌ها را به حق می‌توان مجموعه‌ای با ارزش دانست که تصویری کلی از مبلمان این دوره را ترسیم می‌سازد. با این وجود به دلیل آنکه اغلب تصاویر منقوش بر روی ظروف و دیگر آثار، جلوس امیر و درباریان را به نمایش می‌گذارد، ما از بررسی متعلقات دیگر مبلمان محروم هستیم. تصاویر منقوش بر ظروف این دوره به ویژه آنهایی که برای دربار ساخته می‌شد و شمایل‌نگاری مراسم شاهانه را در بر می‌گرفت، تصویر نوعی نشستگاه را پیش روی ما



تصویر ۵. نشستگاه تاجدار مأخذ: رفیعی، ۱۳۷۷: ۲۲۹.

Fig.5. Seljuk crowned seating. Source: Rafie, 1998: 229.



تصویر ۴. تخت چهارستونی با قبه‌های سروی مأخذ: نجفی، ۱۳۶۸: ۶۱ مأخذ: Pope, vol.1, 1971: 2637

Fig. 4. a four-pillar throne with cedar knob fig3. Seljuk throne, Mina bowl. Source: Pope, vol. 1, 1971: 2637.

برخی از پژوهشگران معتقدند که سلجوقیان به دلیل آنکه ترک‌نژاد بوده‌اند عناصر و نشانه‌های ترکانه را وارد هنر و معماری این دوره کرده‌اند. با نگاهی به آثار این دوره می‌توان دریافت، تأکید به کارگیری عناصر ترکانه بیشتر در اشیاء شخصی چون جواهرآلات، اسلحه و زین و یراق اسب به چشم می‌خورد که احتمالاً صاحبان آنها در کاربرد ویژگی‌های سنتی مشتاق بودند. مبلمان نیز که ارتباط تنگاتنگی با کاربر دارد، محل تجلی این عناصر می‌شود.

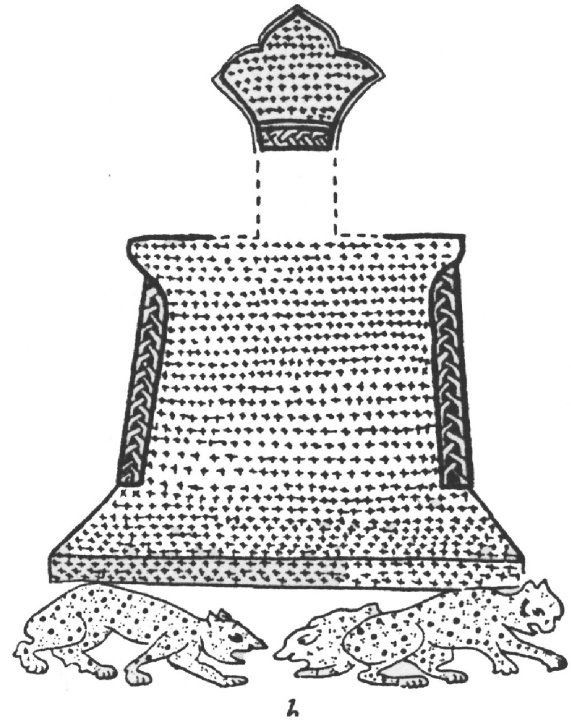
گرچه در نگاه نخست، شباهت‌هایی را می‌توان در میان تخت‌های سلجوقی مشاهده کرد، اما با نگاهی دقیق‌تر می‌توان شاهد سبک‌های گوناگون ساختاری و تزئینی مجزایی در هر یک از نشستگاه‌ها بود. گاه این تفاوت‌ها با اضافه کردن عناصری جدید به ساختار کلی تخت به وجود می‌آیند. برای مثال در تختی دیگر (تصاویر ۳ و ۴) عنصر تزئینی سروی شکل ستون‌های پشتی تخت، بر روی ستون‌های کناری نیز تکرار شده‌اند، اما قسمت‌های دیگر تا حدودی از همان سنت‌های ساختاری و تزئینی پیروی کرده است. متأسفانه شیوه کلی‌نگاری مرسوم در نقوش پیکره‌ای (به ویژه آنهایی که دارای تصاویری از مبلمان است) سبب شده بسیاری از اطلاعات مهم درباره شیوه‌های ساخت و جزئیات تزئینی و همچنین مصالح مورد استفاده جهت آرایش این نشستگاه‌ها در حاله‌ای از ابهام باقی بماند. با این وجود با نگاهی به دیگر آثار

مشاهده می‌شود، علاوه بر ستون‌های پشتی، دو ستون دیگر کمی جلوتر تعبیه شده است که علاوه بر آنکه فضای پشتی را از کناره‌ها محصور می‌کند، بخش فرورفته‌ای بر روی آنها ایجاد شده است که به نظر می‌رسد جای تکیه‌دادن آرنج‌ها باشد. از آنجایی که نقاشی‌های منقوش بر روی ظروف از نمای روبرو ترسیم شده‌اند، نمی‌توان نظری قطعی درباره جزئیات ساختاری آنها ارائه داد. بر پشتی تخت نقشی فلس مانند دیده می‌شود که با مشاهده لباس‌ها و دیگر پشتی‌ها می‌توان حدس زد که این نقوش جزء بافت یا نقش پارچه باشد. به طور کلی فضای نشستگاه تخت‌های سلجوقی با انواع مخده‌ها و بالشت‌ها پوشیده می‌شد تا سطحی نرم و راحت مهیا شود. روکش‌هایی که برای انواع پشتی‌ها و تشکچه‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت، احتمالاً از پارچه‌های گرانبها تهیه می‌شد. چرا که ایران سلجوقی یکی از مهم‌ترین مراکز تولید پارچه‌های گرانبها در عصر خود بود و "نه تنها محصولات مورد نیاز خود را برای مصارف داخلی تولید می‌کرد بلکه یکی از مهم‌ترین تولیدکنندگان پارچه‌های نفیس برای کشورهای سواحل مدیترانه نیز بود. مردم ایران دوستدار رنگ‌های گوناگون بودند. رنگ‌های سبز، قرمز، آبی و زرد سیر برای لباس مردان به کار می‌رفت و در کنار علاقه به نقوش پیچشی و موج و غیره، اشتیاق به رنگ‌های طلایی، درخشان، پرزرق و قوس و قزحی بسیار زیاد بود" (اتینگهاوزن، گرابر، ج ۱، ۱۳۸۳: ۴۹۷).



تصویر ۷. نشستگاه چندنفره مأخذ: Pope, VOL10, 1971: 687

Fig.7. settee for several individuals Source: Pope, Vol. 10, 1971: 687



تصویر ۶. تخت با پایه‌هایی به شکل شیر مأخذ: Pope, vol. 1, 1971: 2637

Fig.6. throne with lion-shape pods” fig5. Seljuk crowned seating source: Pope, vol. 1, 1971: 2637.



تصویر ۸. چهارپایه از کاشی منقش مینایی مأخذ: Pope, VOL10, 1971: 671

Fig.8. stool decorated with Mina work.

Source: Pope, VOL10, 1971: 671.

هنری باقی‌مانده از این دوره می‌توان به نتایجی در مورد شیوه‌های تزئین مبلمان سلجوقی پی برد. فلزکاری در این دوره بسیار مرسوم بود، برنج و مفرغ رایج‌ترین مواد فلزی را تشکیل می‌دادند. انواع شیوه‌های تزئینی فلز همانند مشبک‌کاری، قلم‌زنی، برجسته‌کاری، خاتم‌بندی فلزات با نقره، مس و حتی طلا و همچنین میناکاری، اشیای گوناگون این دوره را مزین می‌ساختند. از این رو در دوره‌ای که بسیاری از اشیای روزمره با انواعی از تزئینات آراسته می‌شدند، می‌توان انتظار داشت که در بخش‌های تزئینی مبلمان این دوره همچون آرایه‌های سروی شکل که جزء عناصر ثابت مبلمان سلجوقی هستند، از این شیوه‌ها بهره گرفته شده باشد.

در نمونه‌های اندکی از این دوره، از تاج در ساختار تخت‌ها استفاده شده است، با این وجود در تصویر منقوش بر ظرفی به تختی بر می‌خوریم (تصویر ۵) که تاجی ملهم از عناصر گیاهی و به صورت قرینه نشستگاه را آراسته است. با وجود بهره‌گیری از عنصر تزئینی تاج، وفاداری نسبت به استفاده از قبه‌های سروی شکل نیز حفظ شده است. همچنین مورد دیگری که این نقش را حایز اهمیت می‌سازد، تصویر نشستگاه برای کودکان است که اگرچه همانند نشستگاه‌های دیگر از ارتفاع کوتاهی برخوردار است، اما در شیوه ساخت پایه‌ها و پشتی از سبکی متفاوت پیروی شده است. نکته قابل توجه در مبلمان سبک سلجوقی آن است که این قوم در

مردم (اشراف و ثروتمندان) و همچنین سبک‌های گوناگون وسایل و اشیای دیگر مرتبط با مبلمان بی‌اطلاع هستیم. حدس در مورد مواد و مصالح این تخت‌ها نیز براساس تصاویر سفالینه‌ها کاری غیر ممکن است، اما استفاده از مبلمان فلزی در این دوره و حتی پیش از آن مرسوم بوده است و این اطمینان وجود دارد که در نمونه‌های بارز تر فلزات گرانبها استفاده می‌شده است، البته نه به گونه‌ای که تمامی ساختار چوبی پوشیده شود (Pope, VOL6, 1971: 2637). تنها نمونه‌ای که این فرصت را در اختیار ما قرار می‌دهد که اثری از مبلمان این دوره را از نزدیک مشاهده کنیم، چهارپایه‌ای شش‌ضلعی از کاشی منقش مینایی با پایه‌های کروی و حجیم است. اگرچه این مبلمان در ظاهر شباهتی به تخت‌های سلجوقی ندارد، اما پایه‌ها از همان اشکال گوی‌مانند (که در تخت‌ها احتمالاً به شیوه خراطی اجرا می‌شدند) شکل گرفته است. این چهارپایه بارز که ارتفاع آن تنها ۲۷ سانتی‌متر است، وفاداری خود را به سنت کوتاهی نشستگاه‌های سلجوقی به خوبی نمایان ساخته و همچنین هر یک از وجوه آن علاوه بر نقوش گیاهی، حیوانی و کتیبه‌ای، نقشی از نشستگاه سبک سلجوقی را به نمایش می‌گذارد.

دوران طولانی حکومت خویش هرگز از قواعد ساختاری این نوع مبلمان دست نکشیدند. چنان‌که در مواردی هم که از سنت‌های ساختاری- تزئینی دوره‌های پیش بهره جسته‌اند، کوتاهی نشستگاه جزء جدایی‌ناپذیر این سبک باقی‌مانده است. برای مثال در میان تخت‌های سلجوقی به تختی بر می‌خوریم که نشان از ادامه سنت‌های ساسانی در مبلمان دارد (تصویر ۶) سطح نشستگاه این تخت بر پشت سه شیر (کفتار یا سگ؟! ) قرار گرفته است. آنچه در ساخت این نشستگاه حایز اهمیت است، تدبیر هنرمند سازنده است که برای حفظ ارتفاع کم، حیوانات را در حالت خمیده (در حال کمین) قرار داده تا هم بتواند از سنت‌های مبلمان ایرانی (ساسانی) بهره برد و هم پاسخگوی نیاز کاربران (حاکمان سلجوقی) باشد. شیوه ساخت و تزئینات مبلمان سلجوقی را علاوه بر تخت امیران، در سایر نشستگاه‌های درباری می‌توان مشاهده کرد. در تصویر به دست آمده از کاسه سلجوقی، به نشستگاهی چندنفره برمی‌خوریم (احتمالاً متعلق به بانوان درباری) که شیوه نشستن و سبک آن همانند تخت امیران است (تصویر ۷). متأسفانه به دلیل محدود بودن اطلاعات ما از تصاویر به دست آمده، از سبک مبلمان در میان

### نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از تحلیل و بررسی سبک مبلمان سلجوقی و شناخت بسترهای شکل‌گیری آن عبارتند از :

- مبلمان سلجوقی به دلیل کوتاهی اغراق‌آمیز آن و شیوه نشستن کاربر در میان سبک‌های مبلمان ایرانی منحصر به فرد است.
- با وجود ویژگی ثابت انواع نشستگاه‌های سلجوقی (کوتاهی سطح نشستگاه)، با بهره‌گیری از عناصر گوناگون تزئینی و ساختاری همچون تاج و تزئینات سروی‌شکل، سبک‌های متفاوتی از این نوع نشستگاه را شاهد هستیم. همچنین در نمونه‌های این سبک وفاداری به سنت‌های مبلمان ساسانی به چشم می‌خورد.
- با نگاهی جامعه‌شناسانه به شرایط اجتماعی و ویژگی‌های قومیتی سلجوقیان پیش از رسیدن به حکومت و پس از آن می‌توان دریافت که ویژگی منحصر به فرد تخت‌های سلجوقی، نمایشی از حکومت حاکمانی صحراگرد و آمیختگی آنان با فرهنگ شهری (یکجانشینی) است. از این رو تأثیر متقابل شیوه زندگی سلجوقیان و آداب و رسوم درباری ایران در لزوم وجود تخت شاهی را می‌توان دلیل عمده شکل‌گیری تخت‌های سلجوقی، بدین سبک دانست.
- سخن آخر آنکه، سرزمین پهناور ایران، در طول تاریخ همواره مورد تهاجم اقوام مختلف قرار گرفته است، با این وجود در اندک زمانی توانسته پاره‌ای از عناصر فرهنگ بیگانه را در خود حل کرده و در نهایت از این درآمیختگی، سبکی با ویژگی‌های خاص خود عرضه کند. از این رو با نگاهی جامعه‌شناسانه به رفتارهای اجتماعی و فرهنگ بومی و وارداتی و همچنین بررسی ویژگی‌های قومیتی آنها، می‌توان راهی به سوی پاسخ به دلایل وجودی و چرایی سبک‌های گوناگون مبلمان ایرانی یافت.



فهرست منابع

- اتینگهاوزن، ریچارد، گرابر، الگ. ۱۳۸۳. هنر و معماری اسلامی، جلد اول. ت: یعقوب آژند، چاپ چهارم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)
- جمعی نویسندگان. ۱۳۸۰. سلجوقیان. ت: یعقوب آژند، تهران: مولی
- دوری، کارل جی. ۱۳۶۸. هنر اسلامی. ت: رضا بصیری، چاپ دوم، تهران: یساولی
- ده بزرگی، غلامحسین. ۱۳۹۰. تاریخ و تمدن ایران (قبل و بعد از اسلام). چاپ اول، تهران: زوار
- رازی، عبدالله. ۱۳۶۷. تاریخ کامل ایران. چاپ اول، تهران: اقبال
- رامین، علی. ۱۳۸۹. مبانی جامعه‌شناسی هنر. چاپ دوم، تهران: نشر نی
- رضای، عبدالعظیم. ۱۳۷۸. تاریخ ده‌هزارساله ایران، جلد سوم. چاپ دهم، تهران: در و اقبال
- رفیعی، لیلا. ۱۳۷۷. سفال ایران. چاپ اول، تهران: یساولی
- ریذ، هربرت. ۱۳۷۱. معنی هنر. ت: نجف دریابندری، تهران: امیرکبیر
- زرین کوب، عبدالحسین. ۱۳۷۸. روزگاران تاریخ ایران از آغاز تا سقوط سلطنت پهلوی. چاپ نهم، تهران: سخن
- ستار زاده، ملیحه. ۱۳۹۰. سلجوقیان. چاپ ششم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)
- نجفی، محمدباقر. ۱۳۶۸. آثار ایران در مصر. کلن: آکادمی علوم اسلامی

References list

- Dori, K. J. (1989). Islamic Art. translated by Basiri R, Tehran: Yasavoli
1. DehBozorgi, Gh. (2011). History and Civilization of Iran (before and after Islam). Terhan: Zavar.
  2. Ettinghausen, R. & Graber, A. (2004). Islamic Art and architecture. translated by Azhand, Y, Tehran: Academic Humanities Textbook Codification and Studies. vol 1
  3. Group of authors (2001). Seljuk Dynasty. translated by Azhand, y, Terhan: Mola
  4. Najafi, M. (1989). Iran's work in Egypt. Koln: Islamic Science Academy
  5. Pope, A. V. (1971). A survey of Persian art. London: Oxford University. Vol 1, 6, 10
  6. Razi, A. (1988). Complete history of Iran. Tehran: Eghbal
  7. Ramin, A. (2010). Foundation of sociology of art. Tehran: NashrNei
  8. Rezaei, A. (1999). Ten thousand years history of Iran. Tehran: Dor and Eghbal. Vol3
  9. Rafie, L. (1998). Iran clay. Tehran: Yasavoli
  10. Read, H. (1992). Meaning of art. translated by Daryabandari, N, Tehran: Amir kabir
  11. Satarzadeh, M (2011). Seljuk dynasty. Tehran: Academic Humanities Textbook Codification and Studies.
  12. Zarrinkoub, A. (1999). History of Iran from beginning to Pahlavi. Tehran: Sokhan

## The effects of ethnic culture in the appearance of Seljuk furniture

Nahid Rahmanpour\*

### Abstract

Before the Seljuk reaches the power, they were a nomadic tribe who lived a pastoral and nomadic style, so urban lifestyle habits and the adoption of the law and order were inconsistent with their nomad and primitive nature. This caused them to be less familiar with the customs of urban living. The Seljukians, after capturing Neyshabour, were introduced to the Iranian statecraft and since these nomadic tribes were taught urban life rules under Iranian principles and rules, the Iranians impressed many of their art tastes. However, this issue did not result in the loss of ethnic culture of the Seljukians and their many tribal customs and folklore traditions were preserved and mixed with the Iranian culture.

In this respect, the art, that is always the product of its time, becomes a place for the emergence and expression of combination and confluence of Iranian-Seljuk culture. Furniture also as a functional art (especially thrones-chairs of royalty) expresses the attitude and culture of each period.

In the light of relative peace in this period, decorative arts were in full bloom and innovation; the objects produced for people were in high structural quality and highly decorative. But whatever makes this research worthy for the arts of this period is the tradition of using the figurative motifs that has led furniture, especially seating, to be as one of the most important elements of trappings of sovereignty manifested in the designs engraved on glazing vessel, illumination, etc. Thus, it may be recognized that Seljuk arts, especially porcelain decorative motifs, are as encyclopedic image of Seljuk seating.

Furniture, as art-industry, has always been closely associated with humans as users, habits and social life of peoples, and civilizations throughout the history. This artistic-applied object, especially as thrones, in addition to its applicable aspect has conceptual value. Thrones are always carriers of symbols such as sovereignty and power; and have expressed the attitude of the rulers in a symbolic language

Seljuk seating, due to its exaggerated shortness and the user's sitting form that is unprecedented in Iranian furniture, caused to engage the viewer's mind of how this type of structure works. Hence, the study tries, with a sociological perspective, to review the social and political situation of Seljuk and also evaluate the aesthetic style of furniture (seating) of this period to answer the following questions: What aspects can contribute to the appearance of Seljuk furniture? With a sociological perspective, can the affecting factors be recognized?

The findings of the study strengthen the hypothesis that the Seljuk furniture is a product of a nomad tribal culture and their traditional behaviors fusion with an urban culture and governance traditions of Iran.

### Keywords

Seljuk of Iran, Seljuk Furniture, Seljuk's political and social situation in Iran, Short seating.

---

\*. M. A. in handicraft. Faculty member at handicraft department, AL-zahra university.  
nahid\_arte@yahoo.com